

پناهیان: آدم‌های خوبی که مبارزه با نفس نکنند، خوب‌های قلبی هستند/ تنها هدف کلیدی در آموزش و پرورش باید آموختن «مبارزه با هوای نفس» باشد/ عرفا هیچ کار خاصی غیر از مراقبت و مجاهده با نفس انجام نداده‌اند/ یک‌مقدار مبارزه با هوای نفس کردن، هنری نیست/ سیاستمداری که مردم خود را به لهو و لعب تشویق کند، خائن است

با پایان یافتن بخش اول مباحث بسیاری مهم «تنها مسیر» که از ابتدای ماه مبارک رمضان توسط حجت الاسلام پناهیان آغاز شده بود، بخش دوم این مباحث که شامل برخی از نکات تکمیلی و مراحل عالی مبارزه با هوای نفس است، آغاز شد. جلسات هفتگی «تنها مسیر» جمعه شبها در مسجد امام صادق(ع) واقع در میدان فلسطین برگزار می‌شود. در ادامه گزیده‌ای از مباحث مطرح شده در **اولین جلسه از قسمت دوم مباحث «تنها مسیر»** را می‌خوانید:

آدم‌های خوبی که مبارزه با نفس نکنند، خوب‌های قلبی هستند/ تنها هدف کلیدی در آموزش و پرورش باید آموختن مبارزه با هوای نفس باشد

- موضوع بحث ما «تنها مسیر» است. در جلسات پیشین از این موضوع گفتگو کردیم که تنها مسیر رسیدن به کمال و تقرب به خداوند و تنها مسیر تأمین منافع دنیوی و اخروی انسان، و تنها مسیر نجات جوامع بشری از ظلم و ستم، این است که انسان با «برخی» از تمایلات خود که به آن هوای نفس گفته می‌شود مخالفت و مقابله کند. و این مبارزه با هوای نفس تا آخر زندگی انسان ادامه دارد. این موضوع به حدی مهم است که می‌توان گفت آدم‌های خوبی که مبارزه با نفس نکنند، خوب‌های قلبی هستند. همچنین بر اساس این بحث می‌توان گفت تنها مسیر ارتقاء و اصلاح آموزش و پرورش نیز این است که آموختن مبارزه با هوای نفس به عنوان تنها هدف کلیدی در آموزش و پرورش قرار گیرد.
- در این جلسه چند روایت درباره مبارزه با هوای نفس خدمت شما تقدیم می‌کنم. روایات و کلمات اهل‌بیت(ع) درباره هر موضوعی، دقیق‌ترین و عمیق‌ترین عباراتی هستند که می‌شود درباره آن موضوع مطرح کرد و شاید درباره موضوع خاص مبارزه با هوای نفس و جهاد با نفس، کلمات ائمه‌هدی(ع) بیش از هر موضوع دیگری دلنشین باشد، چون این کلمات ضمن عمق و ظرافت و لطافتی که دارند، یک شیرینی خاصی نیز به تلخی مبارزه با هوای نفس می‌دهند.

«نفس اماره بالسوء»، یعنی نفس انسان مدام به ما دستور می‌دهد و همه دستوراتش هم بد است

- پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: «باعظمت‌ترین جهادها، جهاد با نفس است، چون نفس انسان این‌گونه است که خیلی انسان را به بدی وادار می‌کند؛ أَكْثَرُ الْجِهَادِ جِهَادُ النَّفْسِ لِأَنَّهَا أَمَارَةٌ بِالسُّوءِ» (ارشاد القلوب ۹۸/۱) **نفس انسان مثل یک بچه لوس و نتر است که همه درخواست‌هایش بد و غلط است، مثلاً وقتی می‌گوید این کار را برای من انجام بده، چه شما انجام می‌دهید و چه انجام ندهید، بلافاصله یک درخواست دیگر را مطرح می‌کند، و خواسته‌هایش پایانی ندارد.** اماره بالسوء یعنی نفس انسان مدام به ما دستور می‌دهد و همه دستوراتش هم بد و غلط است.

- حضرت در ادامه روایت فوق می‌فرماید: «نفس انسان به شرّ و کار بد رغبت دارد؛ رَاغِبَةٌ فِي الشَّرِّ» یعنی نفس انسان به کارهای بد رغبت دارد و تمایلش به سمت شرّ و بدی است. لذا اگر این کار بد را نتوانست انجام دهد و با مانعی مواجه شد، به سراغ یک کار بد دیگر می‌رود و متوقف نمی‌شود. حضرت در ادامه می‌فرماید: «نفس انسان به شدت میل به شهوات دارد و وقتی به کار خوب می‌رسد سنگین است و سخت می‌آید انجام دهد، و نفس انسان آرزوهای زیاد دارد؛ مَيْلَةٌ إِلَى الشَّهَوَاتِ، مُتَنَاقِلَةٌ بِالْخَيْرَاتِ كَثِيرَةَ الْأَمَالِ»

«آمال و آرزوهای زیاد» از تولیدات خبیث نفس هستند ولی متأسفانه تفریح‌گاه مردم شده‌اند/ باید برنامه داشته باشیم که روز و شب، نفس خود را از راحتی جدا کنیم

- متأسفانه مردم داشتن آمال و آرزوهای زیاد را چیز بدی نمی‌دانند، به حدی که تفریح‌گاه مردم شده‌اند، در حالی که آمال و آرزوها از تولیدات خبیث نفس هستند. آرزو موجب می‌شود مهمترین واقعه‌ای که در زندگی همه ما اتفاق می‌افتد را ببینیم. لذا اکثر لحظات زندگی ما طوری سپری می‌شود که انگار هیچ‌وقت قرار نیست بمریم! چه می‌شود که ما به مرگ فکر نمی‌کنیم؟ آمال و آرزوهای ما این کار را می‌کنند. چون آمال حجاب آجال هستند و باعث می‌شوند انسان اجل و مرگ خود را نبیند. اگر مرگ را ببینیم و باور کنیم، فرقی نمی‌کند زمان این مرگ نزدیک باشد یا دور باشد؛ حتی اگر به ما تضمین بدهند صد سال دیگر می‌میریم، باز هم لحظه‌ای از یاد مرگ غافل نخواهیم شد.
- حضرت در ادامه روایت می‌فرماید: «نفس انسان دوست دارد که انسان احوال و مواقع خطرناک پیش روی خود را فراموش کند؛ نَاسِيَةٌ لِلْأَهْوَالِ» منظور از احوال، هول و تکان‌های مهمی است که در زندگی انسان پیش می‌آید، از احوال مرگ گرفته تا احوال روز قیامت. یعنی نفس انسان به او می‌گوید «این احوال را فراموش کن، تا راحت زندگی کنی! مرگ را فراموش کن تا راحت زندگی کنی!» حضرت در ادامه می‌فرماید: «نفس انسان ریاست را دوست دارد و طالب راحتی است؛ مُجِبَّةٌ لِلرَّاسَةِ وَ طَالِبَةٌ لِلرَّاحَةِ» نفس انسان او را به راحت‌طلبی دعوت می‌کند، لذا باید برنامه داشته باشیم که روز و شب، نفس خودمان را از راحت‌طلبی جدا کنیم. حضرت در پایان می‌فرماید: «خداوند متعال در قرآن(از زبان حضرت یوسف ع) می‌فرماید: نفس، اماره به بدی‌ها است مگر اینکه خدا رحم کند؛ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَزَمَ رَبِّي» یعنی **انسان هرچقدر در مبارزه با این نفس سرکش تلاش کند، باز هم معلوم نیست از پس این نفس بریاید، لذا باید از شرّ این نفس سرکش به خداوند پناه برد.**
- در این روایت، برخی از ابعاد بدی‌های نفس و تنوعی که در بدی‌های نفس موجود است را دیدیم، باید بدانیم که این بدی‌های نفس انسان طبیعی است لذا هر کسی این بدی‌ها را در خودش دید، فکر نکند فاجعه‌ای برایش افتاده است چون ما با این خصلت‌های نفسانی زاده شده‌ایم، البته پشت سر این بدی‌ها گرایش‌های خوب و زیبایی هم داریم که باید شکوفا شوند.

۷ تا ۱۴ سالگی دورانی است که بچه‌ها باید مبارزه با هوای نفس را تمرین کنند

- در خصوص لزوم مبارزه با هوای نفس و آثار و فواید مجاهده با نفس، امیرالمؤمنین(ع) می‌فرماید: «بهترین و بارزترین عمل آن عملی است که خوش‌تنیاید؛ أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ مَا أَكْرَهْتَ نَفْسَكَ عَلَيْهِ» (نهج البلاغه/حکمت ۳۳۹) یعنی اصلاً قرار است که ما حال نفس خودمان را بگیریم. بر اساس این روایت، هر یک از ما باید از خودمان بپرسیم: «من الان مشغول چه کاری هستم که خوشم نمی‌آید؟» اگر آموزش و پرورش بخواهد مبتنی بر این بحث، برنامه‌ریزی کند باید شیوه‌تعلیم، تربیت و آموزش خود را طوری طراحی کند که وقتی دانش‌آموز فارغ التحصیل شد، «دل‌م می‌خواهد» در نظرش زشت و بد باشد. نه اینکه در برخی از مدارس دانش‌آموزمحوری را روش آموزشی خود قرار دهند و مثلاً طوری برنامه‌ریزی کنند که دانش‌آموز آزاد باشد هر ساعتی که دلش خواست در هر کلاسی که دلش

خواست شرکت کند. ممکن است این روش را برای ۱۴ تا ۲۱ سالگی پسندیده باشد، ولی برای ۷ تا ۱۴ سالگی اصلاً پسندیده نیست، چون ۷ تا ۱۴ سالگی دورانی است که بچه‌ها باید مبارزه با هوای نفس را تمرین کنند.

• خداوند انسان و حیوان را (به تعبیری) برعکس هم ساخته است؛ به حیوان الهام شده که از هر چیزی خوشش آمد، به سوی آن برود، لذا اگر حیوان به سمت چیزی که خوشش آمد حرکت کند درست عمل کرده است. اما درباره انسان برعکس است؛ یعنی هر چیزی که از آن خوش آمد نباید به سمت آن برود! در این میان، نقش ایمان به خدا این است که هم به ما برنامه می‌دهد و هم وعده‌های خوب آخرتی می‌دهد تا در این مسیر روحیه و انرژی بگیریم.

عرفا هیچ کار خاصی غیر از مراقبت و مجاهده با نفس انجام ندادند/اگر تعداد عرفای ما زیاد بود در

شاخه‌های مختلف علمی شاهد شکوفایی فوق‌العاده بودیم

• عرفای ما هم در اصل، هیچ کار خاصی غیر از مراقبت و مجاهده با نفس انجام ندادند. تصور نکنید که عرفا، به خاطر نماز و عبادت زیاد به این مقام رسیده‌اند. به عنوان مثال آیت الله بهجت(ره) به خاطر دستور پدرشان به ترک مستحبات و پرداختن به درس، تا زمانی که پدرشان زنده بودند، نماز شب نخواندند.(مصاحبه پسر آیت الله بهجت: «تا پدرش زنده بود نماز شب نخواند. این را یقین داریم.» پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، خبر ۹۳۰۲۷) پس آقای بهجت(ره) چه کاری انجام داده‌اند که به این مقام رسیدند؟ اصل کاری که انجام داده‌اند، مراقبت و مبارزه با هوای نفس بوده است.

• **متأسفانه تعداد عرفای ما کم است که همین تعداد کم نیز اکثراً وارد عرصه علوم مذهبی می‌شوند. اگر تعداد**

عرفای ما زیاد بود، آن وقت در همه شاخه‌های علمی و مشاغل مختلف، شاهد حضور فعال عرفا بودیم و در این

صورت پیشرفت و شکوفایی فوق‌العاده‌ای در همه امور و شاخه‌های علمی پیدا می‌کردیم. مثلاً تصور کنید یک

عارف فیلمساز، یک عارف مهندس و یک عارف پزشک داشتیم، هر کدام از عرفا در هر عرصه‌ای وارد شوند،

غوغا خواهند کرد. مثلاً علامه طباطبایی(ره) به عرصه تفسیر قرآن وارد شد و غوغا کرد، و تفسیری نوشت که در

تاریخ تفاسیر قرآن بی‌نظیر است. حالا تصور کنید اگر ایشان پزشک و مهندس بود، چه غوغایی در عالم

پزشکی و مهندسی رخ می‌داد!

• همچنین بخش عمده‌ای از همین مقدار رشدی که در شاخه‌های مختلف علمی شاهد هستیم، نتیجه یک‌مقدار مجاهده با نفس است. به عنوان مثال می‌توان گفت نقش مجاهده نفس دکتر حسایی در موفقیت ایشان بیش از استعداد ایشان بوده است. ایشان زندگی سختی داشت و گویا با این زندگی سخت خوب کنار آمده بود و همین خوب کنار آمدن که مبارزه با نفس است در موفقیت‌های علمی ایشان مؤثر بوده است.

• اگر انسان در انجام کارهایی که نفسش دوست ندارد، قوی شود، به جایی خواهد رسید که از همین کارهای مخالف هوای نفس لذت خواهد برد، در این صورت این لذت دیگر لذت نفسانی نیست بلکه لذت فطرت عالی انسانی و الهی است. مانند این لذتی که می‌گوید:

«در بلا هم می‌کشم لذات او/مات اویم مات اویم مات او»

برخی آثار اخروی مبارزه با هوای نفس

• درباره آثار و فواید اخروی مبارزه با هوای نفس، امیرالمؤمنین(ع) در کلام شریفی می‌فرماید: «به بهشت دسترسی پیدا نمی‌کند مگر کسی که با نفسش مجاهده کرده باشد؛ لَنْ يَخْوَرَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ جَاهَدَ نَفْسَهُ»(غررالحکم/ص ۵۵۳) حالا اگر کسی با نفس خود مبارزه نکرده باشد، از لحظه جان دادن به بعد سختی‌هایی می‌کشد تا جبران شود؛ از فشار قبر گرفته تا سختی‌های صحرائی محشر و قیامت و جهنم. این عذاب‌ها برای افراد مختلف بستگی به این دارد که چقدر باید در دنیا مبارزه با نفس می‌کردند ولی این سختی را به خودشان نداده‌اند و حالا باید آن سختی‌ها را به شیوه دیگری تحمل کنند.

فهرست دوست‌داشتنی‌هایت را بنویس و سعی کن یکی یکی از آنها صرف‌نظر کنی

• امام صادق(ع) می‌فرماید: «ای بندگان دنیا! من واقعاً این سخن را به حق می‌گویم؛ شرافت آخرت را به دست نمی‌آورید مگر با ترک آنچه که دوست دارید؛ يَا عِبِيدَ الدُّنْيَا بِحَقِّ أَقْوَلُ لَكُمْ لَا تَذُرُّوْنَ شَرَفَ الْآخِرَةِ إِلَّا بِتَرْكِ مَا تُحِبُّونَ»(تحف العقول/۳۹۲) فهرست دوست‌داشتنی‌هایت را (برای خودت) بنویس و به درگاه خدا اعتراف کن که من اینها را دوست دارم. بعد یکی یکی سعی کن از آنها صرف‌نظر کنی و آنها را دور بریزی. البته باید گفت «اکثر» دوست‌داشتنی‌های ما این طور هستند که باید دور ریخته شوند نه همه آنها. یعنی ممکن است دوست‌داشتنی‌های بالارزش و عمیق نیز در قلب خود داشته باشیم؛ مانند محبت به امام حسین(ع).

داشتن تمایل ذلت‌آور برای مؤمن زشت است

• یکی از آثار هوای نفس در این کلام جذاب امام صادق(ع) بیان شده که می‌فرماید: «چقدر برای مؤمن زشت است که یک تمایلی در وجودش باشد که این تمایل او را دلیل کند؛ مَا أَقْبَحَ بِالْمُؤْمِنِ أَنْ تُكُونَ لَهُ رَغْبَةً تُذِلُّهُ»(کافی/۲/۳۲۰) یعنی حضرت، داشتن تمایلات پست و ذلت‌آور را برای یک مؤمن، زشت و ناپسند معرفی می‌فرماید و از این زاویه زیبا به موضوع هوای نفس نگاه می‌کند.

سیاستمداری که مردم خود را به لهو و لعب تشویق کند، خائن است

• امیرالمؤمنین(ع) می‌فرماید: «کسی که واله و شیفته بازی است و نسبت به کارهای بیهوده حریص است، عقل ندارد و نمی‌تواند تعقل کند؛ لَمْ يَعْزَلْ مَنْ وَلِيَ بِاللَّعِبِ وَ اسْتَهْتَرَ بِاللَّهُوِ وَ الطَّرَبِ»(غررالحکم/ص ۵۶۵) کسی که عاشق «بزن و بکوب» است و شیفته تفریحات این‌چنینی است، چقدر عقلش کار می‌کند؟ سیاستمداری که مردم خود را به لهو و لعب تشویق کند، خائن است و حتی از کسی که می‌خواهد با مسموم کردن آب، مردم یک شهر را بکشد نیز خیانتکارتر است، چون کسی که آب را مسموم می‌کند، صادقانه به جنگ مردم آمده ولی این سیاستمدار، فریبکارانه و ریاکارانه به جنگ با مردم آمده است.

• انسان در برنامه و سبک زندگی خودش، باید لهو و لعب و بازی‌ها و کارهای بیهوده را کم کند، البته تفریحات سالم مانند مسافرت و ورزش باید در برنامه ما باشد.

• ما قبلاً دو بار مبارزه با هوای نفس را بیان کردیم، یکی تکالیف و دستورات الهی است که باید اطاعت کنیم و انجام دهیم و یکی تقدیرات الهی است که وقتی سختی و رنجی برای ما مقدر شده و به ما می‌رسد باید صبر کنیم. امام صادق(ع) در کلام شریفی این دو بار را به زیبایی در کنار هم بیان فرموده است: «شما به آنچه می‌خواهید(خواسته‌های معنوی) نمی‌رسید، مگر به ترک آن چیزهایی که

شبهوت شما اقتضا می‌کند، و به آرزوهای معنوی خود نمی‌رسید مگر با صبر در برابر چیزهایی که خوشتان نمی‌آید؛ **إِنكُمْ لَا تُصِيبُونَ مَا تُرِيدُونَ إِلَّا بِتَرْكِ مَا تَشْتَهُونَ وَ لَا تَتَأَلَوْنَ مَا تَأْمَلُونَ إِلَّا بِالصَّبْرِ عَلَىٰ مَا تَكْرَهُونَ** (تحف العقول/ص ۳۰۵)

- حضرت در ادامه می‌فرماید: «از چشم‌چرانی بپرهیز، چرا که چشم‌چرانی بذر شبهوت را در قلب انسان می‌کارد و همین برای فتنه و گرفتاری انسان کافی است؛ **إِيَّاكُمْ وَ النَّظْرَةَ فَإِنَّهَا تَزْرَعُ فِي الْقَلْبِ الشَّهْوَةَ وَ كَفَىٰ بِهَا لِصَاحِبِهَا فِتْنَةً**» متأسفانه گاهی به نظر می‌رسد که این مسائل در جامعه ما حرمت ندارد، به حدی که آدم‌ها به آن حریص شده و فکر می‌کنند این نگاه‌های آلوده فرصت‌هایی است که باید غنیمت شمرد! در حالی که رسول خدا(ص) می‌فرماید: «نگاه حرام تیر مسمومی است که از جانب ابلیس به تو برخورد می‌کند؛ **النَّظِيرَةُ سَهْمٌ مَسْمُومٌ مِنْ سَهَامِ إِبْلِيسَ**» (مستدرک الواسیل/۱۴/۲۶۸) و انسان نمی‌داند این تیر مسموم چه بلایی بر سر او می‌آورد و چه آفتی دارد. اگر این آفات یک مقدار در جامعه ما خوب بیان شده بود هیچ فیلم‌سازی جرأت نمی‌کرد مردم را به دیدن صحنه‌هایی دعوت کند که بذر شبهوت را در قلب انسان‌ها می‌کارد.

برای توفیق در مبارزه با هوای نفس، باید در خانه خدا تضرع کنیم

- امام صادق(ع) در کلام دیگری می‌فرماید: «خوشا به سعادت کسی که در راه خدا با نفس خودش جهاد کند و هر کسی ارتش هوای نفسش را نابود کند، به رضایت خدا خواهد رسید؛ **طُوبَىٰ لِمَنْ جَاهَدَ فِي اللَّهِ نَفْسَهُ وَ هَوَاهُ وَ مَنْ هَزَمَ جُنْدَ هَوَاهُ طَفِيرَ بَرُضَىٰ اللَّهِ تَعَالَىٰ**؛ مستدرک الواسیل/۱۱/۱۳۹) چون نفس انسان برای خودش ارتش و لشکری دارد. یعنی ما فقط با یک یا دو هوای نفسانی طرف نیستیم، بلکه با یک لشکر از هواهای نفسانی طرف هستیم لذا به هر خواسته‌ای از نفس خودمان نه می‌گوییم، یک خواسته نفسانی دیگر جلو می‌آید.
- حضرت در ادامه روایت می‌فرماید: «هرکش عقلش، با کوشش و فروتنی، و تضرع در خانه خدا، بر نفس اماره اش چیره شود، به پیروزی بزرگی دست یافته باشد؛ و **مَنْ جَاوَزَ عَقْلَهُ نَفْسَهُ الْأَمَّارَةَ بِالسُّوءِ بِالْجَهْدِ وَ الْإِسْتِكَاةِ وَ الْخُشُوعِ عَلَىٰ سَبَاطِ خِدْمَةِ اللَّهِ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا**» یعنی برای توفیق در مبارزه با هوای نفس، باید در خانه خدا تضرع کنیم تا خدا ما را در این راه کمک کند، و الا بدون تضرع و گریه و ضجه زدن، همین‌طوری کسی در مبارزه با نفس، به جایی نمی‌رسد. البته اینکه حضرت می‌فرماید در خانه خدا گریه و تضرع کنید، بیشتر برای مراحل بعدی و سخت‌تر مبارزه با نفس است و الا در مراحل اولیه و ابتدایی، مبارزه با هوای نفس خیلی سخت نیست. هرچقدر مبارزه سخت‌تر می‌شود، نیاز ما به تضرع در درگاه الهی هم بیشتر می‌شود.

بیچاره کسی است که نیم‌بند مبارزه با هوای نفس می‌کند / یک‌مقدار مبارزه با هوای نفس کردن، هنری نیست

- بیچاره کسی است که نیم‌بند مبارزه با هوای نفس می‌کند. بعضی‌ها یک‌مقدار مبارزه با نفس می‌کنند و مثلاً خودش را تا مسجد می‌آورند و به نماز خواندن وادار می‌کنند، ولی این مبارزه را ادامه نمی‌دهند و در موارد دیگر با هوای نفس خودش کنار می‌آیند، مثلاً قیافه می‌گیرند و دچار غرور می‌شوند. به خاطر همین است که آدم باید در خانه خدا تضرع کند و الا یک‌مقدار مبارزه با هوای نفس کردن، هنری نیست، مهم این است که بعد از یک‌مقدار مبارزه با نفس، دچار عجب و غرور نشویم و از خدا و بندگان خدا طلبکار نشویم و متکبرانه برخورد

نکته: بعضی‌ها به خاطر اینکه یک‌مقدار مبارزه با نفس به خودشان حق می‌دهند مرتکب هر ظلم بشوند. این قبیل آدم‌ها اگر از همان اول اصلاً مبارزه با نفس نمی‌کردند و به دنبال گناه می‌رفتند بهتر بود!

- حضرت در ادامه کلام پیشین خود می‌فرماید: «هیچ پرده و حجابی بین انسان و خدا وحشتناک‌تر از نفس و هوای نیست و هیچ اسلحه‌ای برای قتل نفس بُرندتر از گریه و گدایی کردن و خشوع در خانه خدا و گرسنگی و تشنگی(روزه گرفتن) و بیداری شب برای عبادت نیست و اگر صاحب چنین مبارزه با هوای نفسی بمیرد، شهید است و اگر زنده بماند به رضوان خدا خواهد رسید؛ **وَ لَا حِجَابَ أَظْلَمَ وَ أَوْخَسُ بَيْنَ الْعَبْدِ وَ بَيْنَ اللَّهِ تَعَالَىٰ مِنَ النَّفْسِ وَ الْهَوَىٰ وَ لَيْسَ لِقَطْعِهِمَا وَ قَتْلِهِمَا سِلَاحٌ وَ اللَّهُ مِثْلُ الْإِقْفَارِ إِلَىٰ اللَّهِ تَعَالَىٰ وَ الْخُشُوعِ وَ الْجُوعِ وَ الظَّمِّ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ السَّهَرِ بِاللَّيْلِ فَإِنَّ مَاتَ صَاحِبُهُ مَاتَ شَهِيداً وَ إِنْ عَاشَ وَ اسْتَقَامَ آدَاهُ عَاقِبَتُهُ إِلَىٰ رِضْوَانِ اللَّهِ الْأَكْبَرِ**» (مستدرک الواسیل/۱۱/۱۳۹)

برخی آثار دنیوی مبارزه با نفس/کسی که به خاطر خدا مبارزه با نفس کند، خدا دنیا را در اختیارش قرار می‌دهد

- در روایات به آثار دنیوی مبارزه با نفس هم اشاره شده است. پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: «خداوند متعال می‌فرماید به عزتم و جلالم و عظمتم و کبریایی‌ام و نورم و علو مقامم و ارتفاع مکانم قسم می‌خورم که هیچ بنده‌ای نیست که هوای نفس خود را بر هوای من ترجیح دهد(یعنی حرف هوای نفس خود را گوش کند و حرف من را گوش نکند) مگر اینکه من کارش را خراب می‌کنم و امور زندگی او را پریشان و پراکنده می‌کنم و دنیا را از او روی گردان می‌کنم، و قلبش را مشغول دنیا می‌کنم و هیچ چیزی از دنیا به او نمی‌دهم مگر همان مقداری که از اول برایش مقدر کرده بودم (یعنی حداقلی از دنیا را به او می‌دهم)؛ **يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي وَ عَظَمَتِي وَ كِبْرِيَائِي وَ نُورِي وَ عُلُوِّي وَ ارْتِفَاعَ مَكَانِي لَا يُؤْتِرُ عَبْدٌ هَوَاهُ عَلَىٰ هَوَايَ إِلَّا شَتَّتْ عَلَيْهِ أَمْرَهُ وَ لَبَسَتْ عَلَيْهِ دُنْيَاهُ وَ شَغَلَتْ قَلْبَهُ بِهَا وَ لَمْ أَوْتِهِ مِنْهَا إِلَّا مَا قَدَّرْتُ لَهُ**» (کافی/۲/۳۳۵) اینها جزای کسی است که هوای نفس خود را به هوای نفس خداوند ترجیح بدهد و البته اینها فقط آثار دنیایی مبارزه نکردن با هوای نفس است و این هشدارهای دنیایی می‌تواند حتی برای آدم‌های ضعیف هم سازنده و مؤثر باشد.
- حضرت در ادامه می‌فرماید: «به عزت و جلال و عظمت و نور و علو و ارتفاع مکانم سوگند که هیچ بنده‌ای میل مرا بر میل خودش ترجیح نداد مگر اینکه ملائکه خودم را فرستادم تا از او محافظت کنند و زمین و آسمان‌ها را مأمور رزقش می‌کنم (که روزی او را برسانند و به او خدمت کنند) و پشت سر هر تجارتی که انجام دهد، خودم از او حمایت می‌کنم و دنیا به سوی او می‌آید و او از دنیا بهره می‌برد؛ **وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي وَ عَظَمَتِي وَ نُورِي وَ عُلُوِّي وَ ارْتِفَاعَ مَكَانِي لَا يُؤْتِرُ عَبْدٌ هَوَاهُ عَلَىٰ هَوَايَ إِلَّا اسْتَحْفَظْتُهُ مَلَائِكَتِي وَ كَفَلْتُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِينَ رِزْقَهُ وَ كُنْتُ لَهُ مِنْ وَرَاءِ تِجَارَةٍ كُلِّ تَاجِرٍ وَ أَنْتَهُ الدُّنْيَا وَ هِيَ رَاغِمَةٌ**» (همان) یعنی خدا به کسی که به خاطر او مبارزه با نفس کند، دنیا هم می‌دهد و دنیا را به راحتی در اختیارش قرار می‌دهد تا به او خدمت کند.

